

جابر عباس زاده قهرمانی از تبار پهلوانان؛ از مردان انتظار همین است

هرچقدر هم که بزرگ باشی یا مال و منال داشته باشی، هرچقدر که غرور بر وجودت مستولی گردد و خود را از بزرگان و نظرکرده‌ها به حساب آوری و هرچقدر که برای دو روز حکمرانی تن به ذلت بدهی و برای خود دنیایی از قدرت و حاکمیت ایجاد بکنی روزی باید از همه‌ی آن‌ها دست بکشی و برای همیشه چشم از این جهان ببندی.

خوش به حال آن کسی که نامی نیک از خود به یادگار بگذارد. خوش به حال فردی که نام و یادش در تاریخ ماندگار بشود و درود بر آن‌هایی که مردانگی‌شان ورد زبان‌ها باشد و گذشت سال‌ها نتواند در عظمت اقدامات‌شان خدش‌ای وارد نماید.

در دنیای ورزش، مدال‌ها، بالا رفتن از سکوهای قهرمانی، مدیریت‌ها، فخر فروشی‌ها و خلاصه دنیایی از امرونی‌ها برای خود و اطرافیان درست کردن‌ها ماندگار نیستند اما آن‌هایی که در زندگی ورزشی‌شان مردانه زیسته‌اند، اخلاق را زیر پا نگذاشته‌اند، به‌درستی بر مولایشان علی(ع) اقتدا کرده‌اند و منافع جامعه و کشور را در پای منافع شخصی و بانندی قربانی نکرده‌اند یاد و نام‌شان برای همیشه تاریخ، ستاره‌ای درخشان و قابل افتخار خواهد بود.

در شهر و استان ما "مردان مردی" بوده‌اند که اقدامات‌شان همیشه برای مردم منطقه افتخارآفرینی و سربلندی و سرافرازی به ارمغان آورده است. پهلوانانی که مایه عزت‌تاد و نام‌شان آبرویی برای منطقه. پهلوانی که برخوردار از ویژگی‌هایی چون وفاداری، شجاعت و فداکاری باشد و به ارزش‌های اخلاقی پایبند گردد جوانمردانی باغیرت هستند که با وجدانی بیدار همیشه از حق و حقیقت پشتیبانی می‌کنند.

در میان آرشيو نوشته‌ها و مجله‌ی کیهان ورزشی مطلبی را دیدم که در سال ۱۳۷۳ چاپ شده‌است. مطلبی کوتاه که به وسعت کل جهان زیبایی دارد. این مطلب در شرح اقدام پهلوانانه‌ی مرحوم جابر عباسزاده است. کشتی‌گیری که با یکرفتار حساب‌شده عملی انجام داده است که با گذشت ۳۰ سال شنیدنش هنوز هم بوی مردانگی و انسانیت و بزرگواری دارد.

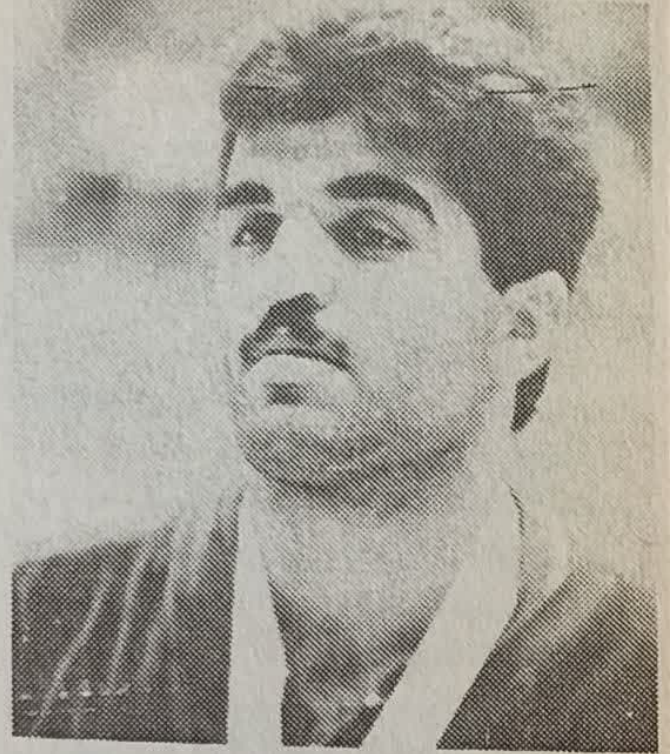
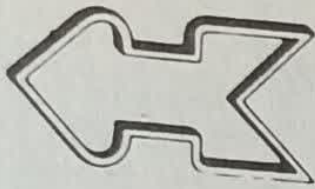
اردیبهشت ماه سالروز رحلت این قهرمان پرافتخار است. وقتی مطلب را دیدم انتشارش را برای خود وظیفه دانستم. جامعه کشتی اردبیل، خانواده مرحوم عباسزاده و دوستان و هم‌دوره‌هایش باید به جوانمردی و پایمردی و صلابت و انسانیت مرحوم جابر عباسزاده افتخار بکنند.

این نوشته که در صفحه‌ای تحت عنوان "وارد، خارج" در سال ۷۳ در مجله کیهان ورزشی چاپ شده به شرح زیر است

"محمد دلیریان می‌گفت: بعضی وقتا از این بچه‌های کشتی، انسان به زوایایی برمی‌خورد که سخت احترام‌برانگیز است و از جمله این بچه‌ها، همین جابر عباسزاده و آنچه در آخرین کشتی در مقابل حریفش از تایوان پیش‌آمد.

دلیریان می‌گفت: وقتی شنیدم که از اردوی حریف پیشنهاد پول دادن به عباسزاده کرده‌اند تا او کشتی را ببازد و تایوان صاحب اولین مدال برنز خود شود من به‌عنوان مربی دو چیز را کنترل کردم اول صحت ماجرا را و دوم واکنش و سلامت عباسزاده را، که در پایان هیچ نداشتم تا تقدیم برخورد مردانه و اصیل عباسزاده کنم غیر از دستی بر پشت.

وارد، خارج می‌گوید: این‌که جابر عباسزاده رقمی برابر ۴ یا ۵ برابر درآمد امروز خود را بدون لحظه‌ای تردید رد می‌کند ضمن این‌که با ارزش است از "مردان" باید درعین‌حال بسیار عادی باشد، چنان‌که هرگاه اگر غیر از این باشد شرم‌آور است. ولی امروز که این بحث علنی شده است ما نیز ناچاریم دست جابر عباسزاده را بفشریم و واردش کنیم با آرزوی باروری هر چه بیشتر عباسزاده‌ها و فزونی عباسزاده‌ها در کشتی".



از «مردان» انتظار

همین است

محمد دلیریان می‌گفت بعضی وقت‌ها دربتون بعضی از این بچه‌های کشتی انسان به زوایایی برمی‌خورد که سخت احترام برانگیز است و از جمله این بچه‌ها، همین جابر عباس‌زاده و آنچه در آخرین کشتی در مقابل حریفش از تایوان پیش آمد. دلیریان می‌گفت وقتی شنیدم که از اردوی حریف پیشنهاد پول دادن به عباس‌زاده کرده‌اند تا او کشتی را ببازد و تایوان صاحب اولین مدال پرنز خود شود، من به عنوان مربی دو چیز را کنترل کردم. اول صحت ماجرا را و دوم واکنش و صلابت، عباس‌زاده را که در پایان هیچ نداشتم تا تقدیم بر خورد مردانه و اصیل «عباس‌زاده» کنم، غیر از «دستی بر پشت» ... وارد - خارج، می‌گوید، اینکه «جابر عباس‌زاده» رقمی برابر ۵-۴ برابر درآمد امروز خود را بدون لحظه‌ای تردید رد می‌کند، ضمن اینکه با ارزش است از «مردان» باید در عین حال بسیار عادی باشد. چرا که هرگاه اگر غیر از این باشد شرم‌آور است. ولی امروز که این بحث علنی شده است، ما نیز ناچاریم دست جابر عباس‌زاده را بفشاریم و «وارد»ش کنیم با آرزوی باروری هرچه بیشتر عباس‌زاده و فرزونی عباس‌زاده‌ها در کشتی.